

بررسی عقلانیت سیاستگذاری عمومی در ایران: مطالعه موردی «قانون هدفمند کردن یارانه‌ها»

ابراهیم بزرگر^۱

استاد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

صیاد حسین زاده

کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

(تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۱۰ - تاریخ تصویب: ۹۴/۱۲/۱۶)

چکیده

هدف این پژوهش بررسی عقلانیت سیاستگذاری عمومی در ایران است. چراکه سیاستگذاری در ایران، ضمن موفقیت در برخی عرصه‌ها، برخی دیگر از عرصه‌های جامعه را با بحران مواجه ساخته است؛ یعنی شهروندان با سیاست‌های رویه‌رو هستند که برخلاف آنچه در مرحله تقنین وعده داده شده است؛ عملیاتی و کاربردی پیدا کرده است. پژوهش حاضر با در نظر گرفتن محذورات سیاست‌ها در مرحله اجرا در پی پاسخ به این سؤال اصلی است؛ چگونه می‌توان بر ناکارآمدی‌های مرحله اجرای سیاستگذاری فائق آمد؟ به‌زعم محققان با در نظر گرفتن تمهیداتی همچون رعایت عقلانیت در مرحله تقنین، می‌توان ناکارآمدی‌های مرحله عملیاتی سیاستگذاری‌ها را به حداقل ممکن تقلیل داد. با تکیه بر تئوری عقلانیت چهارگانه اسنلن (عقلانیت اقتصادی، سیاسی، حقوقی و حرفه‌ای) به‌عنوان سازه نظری، به‌طور موردی به مطالعه «قانون هدفمند کردن یارانه‌ها» پرداخته شده است تا با محک ابعاد چهارگانه عقلانیت قانون مذکور، ضرورت توجه به مرحله تقنین و تمهیدات عقلانی خاص آن مورد توجه قرار گیرد. روش جمع‌آوری داده‌ها میدانی - مصاحبه‌ای و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات کیفی بوده است. یافته‌های پژوهش حاکی از عدم توجه سیاست‌گذاران به تمهیدات اجرایی در حین تقنین است.

واژگان کلیدی: سیاستگذاری عمومی، عقلانیت سیاسی، عقلانیت اقتصادی، عقلانیت قانونی،

عقلانیت حرفه‌ای، هدفمند کردن یارانه‌ها

^۱ - barzegar@atu.ac.ir (نویسنده مسئول)

۱- طرح مسئله

سیاستگذاری در عرصه مناسبات اجتماعی دارای دو مرحله طراحی نظری و کاربست عملی است که اغلب توسط نهاد دولت^۱ صورت می‌گیرد. آنچه بخشی از واقعیت معاصر جامعه ایرانی به شمار می‌رود؛ ناکارآمدی سیاستگذاری‌ها در مرحله اجراست. این امر مخصوصاً در مورد سیاست^۲ های کلان عدالت محور که مشمول آحاد شهروندان می‌شود؛ مشهودتر است؛ یعنی شهروندان با سیاست‌های روبه‌رو می‌شوند که برخلاف آنچه در مرحله تقنین وعده داده می‌شود؛ اجرا می‌شود. گسیختگی وعده و عمل در سیاستگذاری، اقتدار سیاسی حاکم را مورد هجوم منتقدان قرار داده و به صورت تدریجی میدان اقتدار دولت را کاهش می‌دهد. پژوهشگران در بررسی‌های خود برای برون‌رفت از این وضعیت، پیشنهادهایی را ارائه نمودند؛ اما از آنجایی که اغلب از منظر اجرایی به بررسی مسئله همت گماشتند، متعاقباً راه‌حل‌های پیشنهادی‌شان نیز متوجه مجریان بوده است و چندان گره از مشکل سیاستگذاری نگشوده است. پژوهش حاضر با مطالعه موردی «قانون هدفمند کردن یارانه‌ها» که باهدف بهبود عدالت اجتماعی در دولت دهم طراحی و تصویب شده است؛ می‌کوشد دو لحظه مقام نظریه‌پردازی و مقام کاربست عملی را در کانون توجه قرار دهد؛ بنابراین به این پرسش اصلی که چگونه می‌توان بر ناکارآمدی مرحله اجرایی سیاستگذاری در ایران فائق شد؟ پرداخته و مدعی است با تمهیداتی همچون رعایت عقلانیت در حین تقنین، می‌توان ناکارآمدی مرحله اجرایی سیاستگذاری را به حداقل ممکن تقلیل داد. مدعای فوق به روش تجزیه و تحلیل کیفی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

به‌تصور محققان یکی از طرق مفید برای بررسی کارآمدی سیاستگذاری، واکاوی نقش عقلانیت در مرحله شکل‌گیری آن است. انتظار می‌رود با رعایت عقلانیت در هنگام تقنین، سیاست‌ها مرحله اجرایی موفق‌آمیزی داشته باشند. بسیاری از مشکلات موجود در اجرای سیاست‌ها، در صورتی که تدوین‌کنندگان در مرحله شکل‌گیری آنها به تمهیدات اجرایی لازم توجه کنند، ممکن است بروز نکند؛ بنابراین پژوهش حاضر باهدف بررسی نقش عقلانیت در بهبود کاربست عملی سیاستگذاری در ایران مسئله را از دریچه جدیدی که نوآوری برای این پژوهش محسوب می‌گردد؛ یعنی مرحله تقنین سیاست‌ها مورد مذاقه قرار خواهد داد. بدین منظور از مفهوم عقلانیت استفاده خواهد شد. به مدد عقلانیت، وارد گفتمان انتقادی با تدوین‌کنندگان «قانون هدفمند کردن یارانه‌ها» خواهیم شد. مفهوم عقلانیت در این پژوهش

^۱- دولت در اینجا به معنای عام کلمه که شامل هر سه قوه مجریه، قوه مقننه و قضائیه می‌باشد؛ مدنظر است.

^۲- Policy

برگرفته از آراء ایگنیس اسنلن^۱ محقق برجسته مدیریت دولتی است که به‌صورت ترکیبی از ابعاد چهارگانه «اقتصادی»، «سیاسی»، «قانونی» و «حرفه‌ای» در سیاست‌گذاری به کار می‌رود. سیاست‌گذاری عقلانی شامل آن دسته از سیاست‌های است که در چارچوب رعایت عقلانیت چهارگانه مذکور بگنجد. مشروط بر آنکه رعایت یک نوع از عقلانیت در سیاست‌گذاری به تضعیف یا تحذیف دیگر ابعاد عقلانیت نیانجامد؛ زیرا آن ترکیب عقلانیت، برای اجرای موفق سیاست‌های تدوین‌شده، مناسب تشخیص داده‌شده است. از آنجایی‌که در عمل و در شرایط فعلی، سیاست‌های که اجرای مطلوب و رضایت‌بخشی داشته باشند تا مبنای کار پژوهش قرار گیرد یافت نشد، محققان را بر آن داشت تا طی روشی میدانی - مصاحبه‌ی برحسب عقلانیت چهارگانه مذکور، نظرات خبرگان را پیرامون «قانون هدفمند کردن یارانه‌ها» جویا شوند. برای بهبود یافته‌های پژوهش شاخصه‌های عقلانیت ترکیبی با کمک نخبگان هر رویکرد از عقلانیت با شرایط بومی جمهوری اسلامی ایران هماهنگ خواهد شد.

۲- پیشینه پژوهش

علم سیاست‌گذاری به‌عنوان یک گرایش تحصیلی در مقطع تحصیلات عالی در ایران باوجود پژوهش‌های مکرر به دلیل عدم تولید سکوهای تئوریک سیاستی منطبق با زیست‌بوم، با تنگناهای در مرحله الگوسازی و کارآمدی روبه‌روست. در جدول زیر به‌اختصار چند نمونه از پژوهش‌های مرتبط و یافته‌های آن‌ها مورد اشاره قرار می‌گیرد.

جدول شماره ۱. برخی از پژوهش‌های مرتبط با سیاست‌گذاری

ردیف	نام پژوهشگر	سال	عنوان پژوهش	یافته‌ها
۱	دهشیری	۱۳۷۸	تأثیر جامعه مدنی بر سیاست‌گذاری خارجی ایران	رشد جامعه مدنی داخلی تأثیری مستقیم بر رفتار سیاسیون در تعاملات سیاسی خارجی می‌گذارد.
۲	خان محمدی	۱۳۸۶	دولت و سیاست‌گذاری فرهنگی از دیدگاه امام خمینی (ره)	سیاست‌گذاری فرهنگی یکی فعالیت‌های دولت بوده و امکان آن مشروط به هماهنگی این سیاست‌ها با مبانی اعتقادی مردم است.

^۱ - Ignace Snellen

۳	الوانی، پورسید و هادی پیکانی	۱۳۸۷	مروری بر مدل‌های سیاستگذاری در نظام آموزش عالی	بهره‌مندی از یک مدل برای بررسی سیاستگذاری‌ها کفایت نمی‌کند. تأکید بر استفاده تلفیقی از انواع مدل‌هاست.
۴	ثقفی، دانایی‌فرد	۱۳۸۷	عقلانیت در تدوین خط‌مشی	معتقد اند که نمایندگان مجلس بدون توجه به تمهیدات عقلانی به قانون‌گذاری می‌پردازند
۵	آزادارمکی، منوری	۱۳۸۹	ارائه مدلی برای تحلیل محتوای سیاست‌های فرهنگی	ارائه الگوی جدید برای فهم سیاستگذاری فرهنگی.
۶	رحمان سرشت، محمدی نسب	۱۳۸۹	الگوی تصمیم‌گیری راهبردی در رویکرد اسلامی	ارائه الگوی تصمیم‌گیری اسلامی با چهار بعد جهانی‌بینی اسلامی، عوامل مربوط به تصمیم‌گیرنده، عوامل زمینه‌ای و فرایند.
۷	شهرام‌نیا، چلمقانی	۱۳۹۰	سیاستگذاری فرهنگی دوران اصلاحات از منظر انتقادی	مقاله مدعی است که نقطه عطف کاهش تصدی دولت در ایران به طرح گفتمان اصلاحات دولت هفتم بازمی‌گردد.
۸	فروزنده، رحیمی	۱۳۹۰	عقلانیت و جایگاه آن در سیاستگذاری فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و ... می‌دانند.	عقلانیت را عاملی بر بهبود سیاستگذاری فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و ... می‌دانند.
۹	مصلی نژاد	۱۳۹۰	بررسی تحلیل مدل‌ها و فرایندهای سیاستگذاری اقتصادی	سیاستگذاری مناسب در عرصه اقتصادی را درگرو ساماندهی طولانی‌مدت برای کسب اشتغال کامل می‌داند.
۱۰	سینائی،	۱۳۹۰	نقش مجالس	نقش مجلس در سیاستگذاری را در سه سطح اولیه (قدرتمند) میانه (نقش مؤثر اما

زمانی	قانون‌گذاری در تعیین‌کننده نیستند) و دسته سوم (کم اثر) فرایند سیاستگذاری می‌دانند.
۱۱	عطار، خواجه ۱۳۹۴ بررسی عوامل چالش‌های نظام سیاستگذاری ایران را در نائینی مؤثر بر ناکارآمدی عدم شفافیت قانون اساسی، رابطه بین نظام سیاستگذاری نهادها، غلبه عقلانیت سیاسی و... می‌دانند. در ایران

۳- الگوی تحلیل

سازه نظری پژوهش برگرفته از آراء ایگنیس اسنلن است؛ بر اساس آن به سؤال تحقیق پاسخ داده خواهد شد. الگوی مذکور دارای چهار بُعد عقلانیت اقتصادی، سیاسی، قانونی و حرفه‌ای (علمی) است که هر کدام نوعی از عقلانیت را تشکیل می‌دهد.

۳-۱- عقلانیت اقتصادی^۱

ابزار پاسخ به نیازها محدود است و هرچقدر از ابزار در دسترس استفاده اقتصادی‌تری شود، تعداد نیاز بیشتری را می‌توان پاسخ گفت. عناصر این عقلانیت به دودسته تقسیم می‌شوند که شامل کارآمدی اقتصاد خرد و اقتصاد کلان است. در بسیاری از سیاست‌های حکومتی، عنصر کارآمدی اقتصاد کلان بسیار مهم‌تر از اقتصاد خرد است. لزوم رعایت این نوع عقلانیت کاملاً بدیهی است و ضرورتاً بایستی به «اصول اقتصادی» و «انگیزه اقتصادی» توجه کرد (Snellen, 2002: 329).

۳-۲- عقلانیت سیاسی^۲

ماده اولیه علم سیاست و مدیریت دولتی، کشمکش بر روی سیاست است؛ که در این کشاکش قدرت متقاعدسازی طرف مقابل با رویه‌های رأی‌دهی و قدرت قانون‌گذاری انجام می‌شود. این کشمکش سیاسی از نزاع و ستیزه‌های سخت جلوگیری کرده و جامعه را از دیکتاتوری و الیگارش‌ی حفظ و آرامش جامعه را ممکن می‌سازد. یکی از عناصر این عقلانیت این است که حتی در یک سیستم دموکراتیک، دولت بتواند در عین ادعای برابری، توزیع نابرابر (منابع مختلف) را برقرار سازد. عنصر دوم عقلانیت سیاسی به استمرار قدرت فرد یا گروه‌های

^۱- Economic rationality

^۲- Political rationality

موجود در فرایند سیاستگذاری توجه می‌کند؛ و بدین ترتیب بیان می‌کند که بدون توجه به این امر خطر عدم پذیرش سیاست توسط آن افراد و گروه‌ها اتفاق می‌افتد. عنصر سوم در این عقلانیت، به یکپارچگی جامعه و مشارکت جمعی در حل مسائل عمومی توجه می‌کند. بنابراین مشاهده می‌شود که با نادیده انگاشتن این عناصر کیفیت و پایداری جامعه و حکومت به مخاطره می‌افتد (Snellen, 2002: 327-328).

۳-۳- عقلانیت قانونی^۱

سیاستی از عقلانیت قانونی برخوردار است که با اتکا به قانون اساسی و سایر قوانین، تدوین، اجرا، ارزیابی و تغییر و خاتمه یابد. بر اساس این نوع از عقلانیت، دولت در پی توجه به الزامات قانونی است تا بدین وسیله «اطمینان قانونی» در رفتارهای دولت رعایت شود. اولین عنصر این نوع عقلانیت برابری در پیشگاه قانون است که ادعای حکومت در مورد برابری را توجیه می‌کند. برپایی هنجارهای قانونی در بسیاری از کشورها بسیار دشوار است (مثل تصویب قوانینی در مورد خودکشی^۲، اهدای عضو، مهندسی ژنتیک، حفاظت از حریم شخصی و حفاظت از نرم‌افزار). سامان دادن این پدیده‌های اجتماعی در مجموعه‌های قانونی عنصر دوم این نوع عقلانیت است که آن را امنیت قانونی می‌گویند. محافظت از بروز عمل خودسرانه، عنصر سوم، اطمینان یافتن از حداقل درجه خردمندی در اقدامات حکومت است که می‌تواند مکمل دیگر عناصر نیز باشد. شفافیت و انسجام در سیستم قانونی و رعایت این عناصر از الزامات رسمی و اساسی برای عقلانیت قانونی است و این وظیفه کسانی است سیستم قانونی را به وجود آوردند و وظیفه حفظ آن را دارند (Snellen, 2002: 328-329).

۳-۴- عقلانیت حرفه‌ای^۳ (عملی)

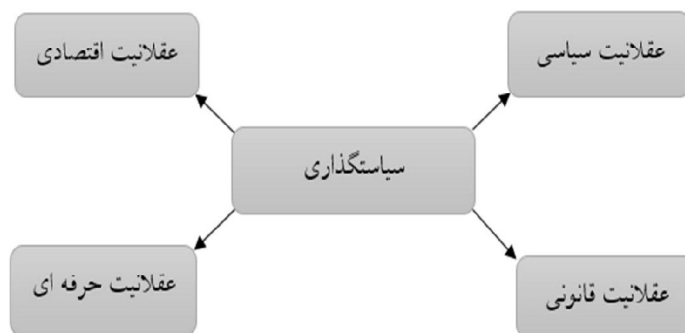
حکومت برای تشخیص اهداف سیاست بایست به تئوری‌های مناسب آن آگاه باشد. مدنظر قرار دادن دانشی که از تجربیات عملی کسب می‌شود، دانش عملی در مورد الگوهای رفتاری در بخش‌ها و حوزه‌های سیاست و توجه به امکان‌سنجی مداخلات دولت از پیش‌فرض‌های یک سیاست عقلانی است. همچنین در این عقلانیت جامعه‌شناسی سازمان‌ها، روان‌شناسی جامعه، علوم ارتباطات، شاخه‌های محور علوم اجتماعی و دانش فنی، نقش مهمی را ایفا می‌کنند. این علوم مستقلاً روی اقدامات واقعی تکیه دارند (Snellen, 2002: 329-330).

^۱- Legal rationality

^۲- Euthanasia

^۳- Professional rationality

اسنلن «تک عقلانیت»^۱ در فرایند سیاستگذاری را مورد نقد قرار می‌دهد و بیان می‌کند که تأکید بر یک بُعد از عقلانیت، غیر عقلایی است. در حقیقت سیاست‌های دولت بین «عقلانیت‌ها» می‌خکوب شده است. عقلانیت دارای این ویژگی جالب است که جنبه‌های مختلف آن تلاش می‌کنند همدیگر را تحت فشار قرار داده و فروبنشانند. از طرف دیگر، انواع عقلانیت برآمد و نتیجه منطقی همدیگر نیز هستند (Snellen, 2002:330). به‌طور خلاصه، در سیاستگذاری‌ها هیچ‌یک از انواع عقلانیت نباید نادیده گرفته شوند.



شکل ۱. مدل سازه نظری (Snellen, 2002:329-330)

با توجه به اینکه سیاستگذاری عمومی در جامعه ایران موضوع پژوهش کنونی است، مقتضی است که تئوری مذکور با شرایط جامعه مورد بررسی منطبق گردد، چراکه علوم انسانی به‌طور عام و علوم سیاسی به‌طور خاص در جامعه ایرانی-اسلامی ویژگی‌های نظری و کاربردی خاص خود را می‌طلبند. به‌عبارت‌دیگر علوم انسانی وارداتی از خاستگاه غربی آن نمی‌تواند در بسیاری از عرصه‌ها مانند علوم سیاسی، اعتماد مخاطبین سیاستگذاری را تأمین کند؛ یا به‌راحتی در دستگاه نظری و ذهنیت ایرانی و اسلامی پذیرفته شود؛ بنابراین قبل از به‌کارگیری سازه نظری مذکور، به‌نخبان چهار حوزه عقلانیت ترکیبی مراجعه شده است و نظرات کارشناسی آنان را در جهت همسازی شاخصه‌های هر چهار عقلانیت گفته‌شده با فرهنگ و جامعه ایرانی موردسنجش قرار گرفته است.

^۱ - Mono-rationality

جدول ۲. مدل عملیاتی مفهوم عقلانیت ترکیبی اسنلن منطبق شده با جامعه ایرانی - اسلامی

عقلانیت	مؤلفه‌ها	شاخصه‌ها
عقلانیت سیاسی	توانایی توزیع نابرابر منابع مختلف در عین ادعای برابری	* حفظ مشروعیت سیاسی در عین توزیع نابرابر منابع بین طبقات جامعه * اقتناع شهروندان طبقات ثروتمند به توزیع نابرابر منابع (منابع بیشتر برای طبقات پایین)
	توجه به استمرار قدرت فردی و گروهی	* پذیرش سیاست از طرف گروه‌ها و جناح‌ها * پذیرش سیاست از طرف شهروندان * حمایت یا انتقاد نخبگان مذهبی، سیاسی و رسانه‌ای از مجموعه اقدامات
	یکپارچگی و وحدت جامعه	* حمایت مردم از حکومت به طرق انتخابات و... * جدایی‌طلبی اقوام و گرایش‌های گریز از مرکز * افزایش گروه‌های متعرض به سیاست‌های مأخوذه
عقلانیت قانونی	برابری در پیشگاه قانون	* تبعیض بین گروه‌ها و جناح‌ها * استثناء قائل شدن بدون توجیه قانونی
	خردمندی در اعمال دولت	* انطباق سیاست‌ها با هنجارهای قانونی * قانونمندی سیاست‌ها توسط دولت * توجه به سازوکارهای اجرایی قانونمند
	امنیت قانونی	* همخوانی با سیاست‌های کلان و جامع‌تر کشور
عقلانیت حرفه‌ای	توجه به ابزارهای علوم ارتباطات	* مکانیزم‌ها و مدل‌های ارتباطی * نحوه ابلاغ دستورات و ارائه گزارش‌ها * نحوه ارتباط بین نهادها و ساختارها
	توجه به روان‌شناسی و جامعه‌شناسی سازمان	* نظریه‌های جامعه‌شناسی سازمان * نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی
	مدنظر قرار دادن دانش تجربی پیشین	* وجود افراد متخصص در زمینه سیاستگذاری * بهره‌مندی از تجربه‌های مشابه * آموزش کارگزاران

<p>* انجام پژوهش در حیطه موضوع * کسب بهره‌مندی از دانش عملی و نظری در دسترس * تقنین سیاست‌های مؤثر بر موفقیت این سیاست</p>	<p>تسلط بر تئوری‌های متناسب با سیاستگذاری</p>	
<p>* امنیت اقتصادی * تحلیل‌های هزینه منفعت</p>	<p>اقتصاد خرد</p>	<p>عقلانیت اقتصادی</p>
<p>* رفاه شهروندان * درآمد ملی * اشتغال ملی</p>	<p>اقتصاد کلان</p>	

۴- روش پژوهش

روش پژوهش علمی را می‌توان فرآیندی دانست که از طریق آن به جستجوی منظم و ترتیب یافته برای مشخص کردن یک موقعیت نامعین اقدام می‌کنیم. در این بخش تلاش بر آن است که تصویری روشن از روش تحقیق، جامعه، نمونه آماری و روش تحلیل داده‌ها در پژوهش پیش رو معرفی و ارائه گردد.

۴-۱- روش جمع‌آوری داده‌ها

روش جمع‌آوری داده‌ها کتابخانه‌ای- مصاحبه‌ای غیرساختارمند است. غیرساختارمند برای اینکه اطلاعات به‌دست‌آمده از یک مصاحبه غیرساختارمند برخلاف مصاحبه ساختارمند که احتمال مناسبی شدن در آن بیشتر است؛ کاملاً خودانگیخته است و انطباق بیشتری با واقعیت دارد. روش مصاحبه‌ای از فنون یا ابزار متداول جمع‌آوری داده‌های پژوهشی است که برخی محققان آن را مهم‌ترین و بهترین ابزار جمع‌آوری اطلاعات می‌دانند (Cohen & Manion, 1986: 307).

۴-۲- جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری تحقیق، نخبگان حوزه‌های چهارگانه عقلانیت خواهند بود. بدین شکل که جهت بررسی میزان رعایت عقلانیت قانون هدفمند کردن یارانه‌ها به چهار گروه از نخبگان که عبارت‌اند از نخبگان علوم اقتصادی، نخبگان علوم سیاسی، نخبگان علم حقوق و نخبگان حرفه‌ای (علوم ارتباطات، جامعه‌شناسی سازمان و روان‌شناسی اجتماعی) رجوع خواهد شد.

به منظور سهولت بیشتر برای دسترسی به نخبگان مذکور، جامعه مکانی محدود به دانشگاه‌های تهران و نمایندگان مجلس شورای اسلامی خواهد بود. حجم هر گروه از نخبگان هم به جهت حفظ کیفیت و کمیت پژوهش محدود به پنج نفر خواهد بود. در مجموع بیست نفر از اساتید دانشگاهی و نمایندگان مجلس شورای اسلامی مرتبط با حوزه‌های چهارگانه عقلانیت سیاستگذاری مورد مصاحبه قرار خواهند گرفت.

نکته: هرچند برای هر حوزه عقلانیت پنج نفر مدنظر پژوهش است و قرار است به هر پرسشی پنج نفر پاسخ بدهند؛ اما بایستی توجه داشت که در عقلانیت حرفه‌ای به جهت تفاوت مؤلفه‌های مطرح، امکان پاسخگویی هر پنج نفر به یک پرسش مقدور نخواهد بود. برای همین در این حوزه عقلانی به هر پرسش فقط یک فرد متخصص پاسخ خواهد گفت.

۴-۳- روش نمونه‌گیری و تحلیل داده‌ها

قصد بر آن است جامعه مورد نمونه، مناسب اهداف تحقیق باشد بنابراین از نمونه‌گیری قضاوتی و در دسترس که از طرح‌های نمونه‌گیری غیر تصادفی هدفمندتر است، استفاده شده است. روش تحلیل داده‌ها نیز به دلیل ماهیت پژوهش تجزیه و تحلیل کیفی خواهد بود.

۵- جمع‌آوری داده‌ها

محققان در این بخش به کمک مؤلفه‌های مطرح در جدول ۲، نظرات نخبگان اقتصادی، سیاسی، قانونی و حرفه‌ای در مورد قانون هدفمند کردن یارانه‌ها را دور یک میزگرد جمع خواهند کرد. قانون هدفمند کردن یارانه‌ها به پیشنهاد دولت دهم با کسب رضایت حداکثری، در قالب طرح به مجلس هشتم ارائه گردید و در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخه ۱۳۸۸/۱۰/۱۵ در ۱۶ ماده و ۱۶ تبصره تصویب شد. این قانون که مؤید اصلاح قیمت حامل‌های انرژی است؛ با رویکرد عدالت محور مشمول همه شهروندان گردیده است. به جهت احترام به خواسته مصاحبه‌شوندگان و صیانت از شخصیت حقیقی و حقوقی آنان، به‌جای اسامی از کدهای اختصاری «E» برای عقلانیت اقتصادی، «P» برای عقلانیت سیاسی، «R» برای عقلانیت قانونی و «G» برای عقلانیت حرفه‌ای (عملی) استفاده خواهد شد.

۵-۱- عقلانیت اقتصادی، کد اختصاری مصاحبه‌شوندگان (E)

قانون هدفمند کردن یارانه‌ها به چه میزان رفاه شهروندان را تأمین کرده است؟

E^1 : دولت برخلاف مواد مصوب در قانون، سهم ۲۰ درصدی مربوط به بودجه عمومی را نادیده گرفت و فقط یک‌هشتم ۳۰ درصد وعده داده شده از درآمد افزایش حامل‌های انرژی را برای واحدهای تولیدی اختصاص داد؛ بنابراین خیلی کم تأثیر داشت.

E^2 : سهم تأمین اجتماعی، واحدهای تولیدی و بودجه عمومی از بخش درآمدهای حاصله تأمین نگردید و برخلاف وعده، قیمت حامل‌های انرژی به سرعت افزایش یافت؛ بنابراین رفاه عموم شهروندان نه تنها تأمین نشد بلکه مورد خدشه قرار گرفت.

E^3 : در اجرای این قانون هیچ‌یک از اهداف در نظر گرفته شده محقق نشد و خسارت‌های اقتصادی فاحشی نیز به بار آورد. افزایش تورم، کاهش تولید و اشتغال از آن جمله بودند.

E^4 : این قانون از سلیقه شخصی نشأت گرفته بود تا پشتوانه کارشناسی علمی، بنابراین ضمن عدم تأمین رفاه عمومی شهروندان، موجب افزایش گستره عمق فساد مالی نیز شد.

E^5 : با افزایش قیمت حامل‌های انرژی آن‌هم به سرعت نمی‌شود دل درگرو تأمین رفاه شهروندان داشت.

تأثیر طرح هدفمند کردن یارانه‌ها بر درآمد ملی چقدر بوده است؟

E^1 : هرچند انتظار می‌رود با افزایش قیمت حامل‌های انرژی درآمد ملی افزایش یابد؛ اما این‌طور نبود چراکه دولت همه درآمد حاصله را به‌طور مساوی بین آحاد شهروندان توزیع کرد.

E^2 : تأثیر منفی گذاشت و دولت را در محذورات جدیدی قرارداد از جمله این محذورات می‌توان به تأمین هزینه‌های پرداختی یارانه نقدی از منابع خارجی اشاره کرد.

E^3 : این شوک‌درمانی مالی ناهنجاری را بر دولت و ملت تحمیل کرد و متعاقب آن درآمد ملی نیز متضرر گردید.

E^4 : نمی‌توان مقدار معینی را بیان کرد؛ اما آنچه واضح است این قانون بدون پشتوانه کارشناسی طراحی شده و عملاً درآمد ملی را به سمت سیر نزولی کشاند.

E^5 : درآمد ملی یکی از شاخص‌های سنجش توسعه و امنیت اقتصادی است که سیاست‌های به‌ظاهر درمانی طرح هدفمند کردن یارانه‌ها بر آن تأثیر منفی گذاشت.

میزان تأثیر طرح هدفمند کردن یارانه‌ها بر اشتغال ملی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

E^1 : به‌صراحت می‌توان گفت که تأثیر منفی بر اشتغال داشت. چراکه که سهم مربوط به واحدهای تولیدی و اشتغال‌زا در این قانون نادیده گرفته شد.

E^2 : زمانی که منابع ملی مربوط به اشتغال و کارزایی به‌طور نقدی بین شهروندان توزیع شود؛ نتیجه‌ای جز افزایش گستره بیکاری و تعطیلی واحدهای تولیدی را نمی‌توان انتظار داشت.

E^3 : موجب افزایش نابرابری اجتماعی، کاهش سرمایه‌گذاری‌ها، تعطیلی واحدهای تولیدی و به‌طور کلی اثرات ضد توسعه‌ای داشت.

E^4 : در متن قانون (ماده ۸) درصدی از درآمد حاصله قرار بود که برای اشتغال، فعال‌سازی واحدهای تولیدی و امثالهم در نظر گرفته شود که در عمل اجرایی نشد و در نتیجه شاهد افزایش بیکاری، تورم و رکود بودیم.

E^5 : پرداخت تمام درآمد حاصله از این قانون در قالب یارانه نقدی به خانوارها، عملاً فرصت سرمایه‌گذاری در عرصه‌های اشتغال‌زایی از دولت سلب شد؛ و متعاقب آن با افزایش تقاضای کار شاهد عرضه محدود فرصت‌های کاری بودیم.

رابطه طرح هدفمند کردن یارانه‌ها با امنیت اقتصادی (مقاومت در برابر هجوم اقتصادی دشمن / ثبات اقتصادی داخلی) چگونه است؟

E^1 : رابطه معکوس داشت؛ با طولانی شدن این طرح میزان کاهش امنیت اقتصادی بیشتر می‌شد. برای اینکه هم موجب افزایش بیکاری، رکود و تورم می‌گردید و هم برخلاف متن مصوب، دولت مجبور به تأمین منابع موردنیاز از کشورهای خارجی گردید.

E^2 : این قانون قصد اعاده حقوق طبقات زیرین جامعه را داشت؛ اما خروجی دیگری داد و آن در تنگنا قرار دادن امنیت اقتصادی کشور بود. دولت در مضیقه تأمین منابع مالی این قانون به‌سرعت دست به دامن منابع خارجی شد که بعضاً نامعلوم مانده است.

E^3 : این طرح ضمن اثرات نابرابری اجتماعی و ضد توسعه‌ای باعث شد وابستگی به نفت در بودجه رتبه دوم را به خود اختصاص دهد. کارایی دولت کاهش و عمق فساد مالی گسترش پیدا کند. بازار نزول خوران رونق و امنیت اقتصادی خدشه‌دار شود.

E^4 : تخصیص اهم منابع مالی به شهروندان به‌طور نقدی، بدون برنامه‌ریزی و الگوی کارشناسی شده؛ ناخواسته ضربه‌پذیری اقتصادی داخل را در برابر نفوذ اقتصادی خارجی افزایش داد و از طرفی ثبات اقتصادی داخل را نیز در طولانی‌مدت متضرر کرد.

E^5 : در موقع تصویب این طرح هم عرض کردم که این طرح موجب افزایش بیکاری، رکود و تورم خواهد شد و اثرات مخربی بر خانواده‌ها و ثبات اقتصادی خواهد گذاشت؛ و از طرفی دست‌اندازی خارجی‌ان بر منابع ملی را افزایش خواهد داد.

میزان رعایت تحلیل‌های هزینه/منفعت در طرح هدفمند کردن یارانه‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

E^1 : هرچند بی‌توجه نبودند؛ اما منفعت سیاسی بیشتر را به تحمیل هزینه‌های اقتصادی به شهروندان ترجیح می‌دادند.

E^2 : از دست دادن فرصت‌های توسعه‌ای، اشتغال‌زایی و رفاه اجتماعی از جمله هزینه‌های بود که با این قانون تحمیل شد بی‌آنکه تدوین‌کنندگان متوجه آن باشند.

E^3 : با این قانون دولت از تحقق اهداف توسعه خود و سند چشم‌انداز بازماند و این بزرگ‌ترین هزینه تحمیل‌شده بر کارنامه دولت دهم بود که می‌توانست نمره دیگری کسب نماید.

E^4 : کاهش امید شهروندان به برنامه اقتصادی دولت و مسئولین، ترویج فسادهای مالی، افزایش گستره بیکاری و معلق ماندن شرکت‌های تولیدی از جمله هزینه‌های متحمل شده کشور در نتیجه این قانون بود که دولت و مجلس باعث‌وبانی آن بودند.

E^5 : به مراتب هزینه‌های وارده در نتیجه عملیاتی شدن این قانون، بیشتر از منافع عاید شده بود که بخشی از این هزینه‌ها در نتیجه اجرایی نامناسب و برخی نیز به علت عدم کارشناسی قانون قبل از تصویب است.

۲-۵- عقلانیت سیاسی، کد اختصاری مصاحب شوندهگان (P)

آیا طرح هدفمند کردن یارانه‌ها توانسته است شهروندان طبقات بالای جامعه را برای توزیع منابع به نفع طبقات کم‌درآمد اقناع کند؟

P^1 : به نظر نمی‌رسد که طبقات متوسط به بالا تمایل داشته باشند که درآمدهای حاصل از افزایش قیمت حامل‌های انرژی صرفاً به طبقات پایین دست تعلق بگیرد. برای نمونه می‌توان به عدم انصراف اکثر آن‌ها در ثبت‌نام مرحله دوم اشاره کرد.

P^2 : نه به نظر من به هیچ وجه طبقات بالا و بی‌نیاز برای انصراف از دریافت یارانه ماهیانه اقناع نشدند.

P^3 : عدم انصراف خانوارهای بی‌نیاز نشانگر شکست مسئولان اجرایی دولت دهم در پیگیری عدالتی بودن این قانون است.

P^4 : اقناع طبقات مرفه توسط دولت نشانگر مشروعیت و نفوذ دولت در این طبقات است که متأسفانه به خاطر عدم مشروعیت کافی دولت در بین طیف بالای جامعه، در اقناع شهروندان این طیف دولت ناموفق بوده است.

P^5 : نه نتوانسته است و شاهد این مطلب نیز مواضع منفی طیف عظیم خانوارهای طبقات متوسط به بالا در درخواست دولت برای انصراف بی‌نیازها است.

پذیرش طرح هدفمند کردن یارانه‌ها از طرف اصول‌گرایان چگونه بوده است؟

P^1 : مثبت بود، به‌واقع این قانون را طیف اصول‌گرایان و دولت اصول‌گرای دهم پایه‌گذاری کرد و متعاقب آن جریان‌ات سیاسی همسو نیز آن را پذیرفته و تشویق کردند.

- P^2 : استقبال خوبی صورت گرفت و در تأمین معیشت طبقات پایین جامعه جریان اصول‌گرایی همراه و همگام با دولت پیش رفت.
- P^3 : قاعدتاً نباید انتظار داشت که جریان همسو با تدوین‌کنندگان این قانون، علیه آن اقدامی صورت دهند.
- P^4 : در کل موضع مثبتی اتخاذ کردند. تعدادی محدود از این طیف که در مجلس بودند مخالفت‌های داشتند که رفع گردید.
- P^5 : اصول‌گرایان با پشتیبانی از دولت وقت (دهم)، تدوین و اجرایی شدن این قانون را تشویق و همراهی کردند.
- موضع اصلاح‌طلبان نسبت به طرح هدفمند کردن یارانه‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
- P^1 : مخالف بودند؛ چراکه این قانون را جنبه تشریفاتی و تبلیغاتی دولت اصول‌گرا می‌پنداشتند.
- P^2 : اصلاح‌طلبان متعاقب شکست در تسخیر کاخ ریاست جمهوری، با هرگونه اقدام دولت منتخب، مخالفت می‌کردند.
- P^3 : موضع این جریان و حتی خود من منفی بود. چراکه این طرح بدون پشتوانه علمی و تخصصی با جنبه تبلیغاتی به راه افتاده بود و بیشتر بعد سلیقه‌ای داشت.
- P^4 : بدیهی است که این طیف در تبلیغات و فعالیت‌های خود، برنامه رقیب سیاسی‌اش (اصول‌گرایان) را مورد حمله و هجمه‌های خود قرار دهند تا بدین‌وسیله مشروعیت کسب‌شده رقیب را برای ادوار بعدی کاهش دهند.
- P^5 : مواضع منفی و مخالفت‌های صورت گرفت که چندان کارگشا نبودند و درنهایت دولت با استقبال مردمی مواجه شد و بنابراین این قانون به اجرا درآمد.
- حمایت یا انتقاد نخبگان مذهبی و سیاسی از طرح مذکور را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
- P^1 : حمایت‌های علمای دینی از طرح عدالت اجتماعی قابل پیش‌بینی بود و چنین نیز شد و برخی نخبگان سیاسی متمایل به راست این قانون را به‌شرط کارشناسی صحیح می‌دانستند.
- P^2 : به یاد ندارم که علمای دینی و مذهبی در آن وقت اعتراضی کرده باشند اما نخبگان سیاسی جناح اصلاح‌طلب، مواضع تندی داشتند و به مراتب ۱ و گوشزد می‌کردند.
- P^3 : حمایت‌های اصول‌گرایان بر انتقادات رقیب سیاسی غلبه کرد و این طرح در مجلس هشتم به قانون تبدیل شد که متعاقب آن در مرحله اجرا و دریافت بازخوردهای اجتماعی آن، خود حامیان نیز پشیمان شدند.

P^1 : در طراحی و تصویب قوانین مخالفان و موافقانی به‌مراتب وجود دارند. در این طرح نیز قاعدتاً هر دو طیف حضور داشتند و حتی در مجلس صاحب‌نظران و کارشناسان منتقد اعلام نظر کردند؛ که در نهایت طرفین به اجماع نظر رسیدند.

P^2 : به نظر حمایت‌ها و انتقادات برحسب سلیقه سیاسی بود یعنی حامیان در طیف اصولگرایان قرار داشتند و منتقد آن‌هم بیشتر در طیف رقیب (اصلاح‌طلب) که چشم پیروزی رقیب سیاسی خود (اصولگرایان) را نداشتند.

حمایت شهروندان از طرح هدفمند کردن یارانه‌ها چگونه بوده است؟

P^1 : استقبال مردم چشم‌گیر بود؛ و یکی از دلایل پیروزی دکتر احمدی‌نژاد در انتخابات ۱۳۸۸، پیام‌های تبلیغاتی یارانه‌ای وی بود.

P^2 : اکثر شهروندان جامعه در خط متوسط به پایین قرار دارند و این امر موجب می‌شود که از هرگونه دریافتی نقدی از طرف دولت، استقبال خوبی به عمل بیاورند و چنین نیز شد.
 P^3 : جناح اصول‌گرا با اشراف به نقطه‌ضعف مردم یعنی فقر مالی، از آن‌سو استفاده کرد و آن را مستمسکی برای پیروزی در انتخابات قرارداد و سپس با طرح هدفمند کردن یارانه‌ها در پی عمق‌بخشی به مشروعیت سیاسی برآمد.

P^4 : این قانون که در جهت تحقق عدالت اجتماعی پیش‌بینی شده بود؛ برای همین مورد حمایت عموم شهروندان گردید و شوق و ذوق مردم از دریافت مستمری ماهیانه را به‌وضوح شاهد بودیم.

P^5 : رضایت‌بخش بود. هرچند جناح سیاسی مقابل دولت سعی در سنگ‌اندازی داشت اما به پشتوانه تقاضای مردمی دولت نیز با جدیت این طرح را پیگیری کرد و اواخر سال ۱۳۸۸ به تصویب مجلس رساند.

آیا این قانون هدفمند کردن یارانه‌ها موجب حضور بیشتر مردم در صحنه‌های سیاسی شده است؟

P^1 : این قانون دولت دهم را از حمایت‌های بیشتر مردمی برخوردار کرد و در نتیجه از مشروعیت سیاسی بیشتری بهره‌مند شد.

P^2 : کنش‌های سیاسی مردم - وقتی دیدند دولت در جهت تحقق عدالت چه قدم بزرگی برداشته است - بیشتر از گذشته شد.

P^3 : دولت نهم با این طرح دوباره بر مسند قدرت تکیه زد و توانست مشروعیت کوتاهمدت خود را حفظ کند.

P^4 : بله مردم اکثراً راضی بودند و باید بگویم که مردم در دولت دهم با چهره شادمان در صحنه‌های سیاسی حضور داشتند.

P^5 : قاعدتاً با دریافت یارانه نقدی ماهیانه، خانوارها بیشتر جذب عرصه سیاسی شده بودند و استقبال خوبی از این طرح داشتند.

نقش قانون هدفمند کردن یارانه‌ها در گرایش‌های گریز از مرکز و جدایی‌طلبی اقوام به چه اندازه بوده است؟

P^1 : چون همه اقشار به یک اندازه دریافتی داشتند نباید انتظار مخالفت و اعتراض گروه و قوم و قبیله‌ای را داشته باشیم و نداشتیم.

P^2 : چون با اولویت عدالت اجتماعی و توسعه در مناطق محروم شکل‌گرفته بود موجب تمایل به مرکز شده است تا گریز از مرکز.

P^3 : در اوایل اجرای این قانون، مردمان حاشیه‌نشین بسیار خرسند بودند اما زمانی که با افزایش تند قیمت‌های مصرفی و حامل‌های انرژی مواجه شدند کم‌کم نگرانی‌ها شروع شد و دولت وقت با بحران مشروعیت مواجه گردید.

P^4 : نه به نظر من این قانون بیشتر موجب بهبود رابطه دولت و ملت شد تا ایجاد مانع و تمایلات گریز از مرکز.

P^5 : استقبال مردم مناطق محروم بود نشان می‌دهد که دولت در دل این مردم جاباز کرده و سفرهای استانی دولت وقت به‌خوبی این مسئله را بیان می‌کند.

عقلانیت قانونی، کد اختصاری مصاحبه‌شوندگان (R)

آیا طرح هدفمند کردن یارانه‌ها موجب تبعیض بین طبقات اجتماعی شده است؟

R^1 : در متن قانون بله چراکه اساساً نفت و گاز و سایر حامل‌های انرژی جزو سرمایه عمومی و مشاع ایرانیان بوده و متعلق به همه آحاد مردم است؛ بنابراین نمی‌توان بخشی از افراد جامعه را از منافع ناشی از آن که حق طبیعی آنان است، محروم ساخت.

R^2 : قانون مذکور، با تخصیص منابع حاصل از درآمد عمومی به قشر کم‌درآمد موجب بی‌عدالتی در حق افرادی شد که به دلیل فعالیت‌های خود اعم از تحصیلی یا کسب‌وکار صاحب درآمدهای بیشتری بودند و مالیات بیشتری نیز پرداخت می‌کردند.

R^3 : نه هیچ تبعیضی صورت نگرفته است و این عدالت است که دولت به توزیع منابع بیشتر به دهک‌های پایین جامعه نسبت به دهک‌های بالای جامعه پردازد.

R^4 : عدم تخصیص منابع عاید شده از افزایش عمومی قیمت کالاهای چون نفت و گاز و ...، به اقشار پردرآمد بیش از آنکه بعد عدالتی داشته باشد موجب بروز احساس تبعیض در طبقات بالا می‌شود.

R^5 : عملاً دولت وقت نتوانست قانون را به‌خوبی اجرایی کند. برای همین ابعاد حقوقی مربوط به این طرح که مؤید بی‌عدالتی و تبعیض بود؛ چندان محل بحث ندارد؛ اما اگر به نحو قانونی اجرا می‌شد؛ بی‌عدالتی هم دیده می‌شد.

استثناء قائل شدن بدون توجیه منطقی در قانون هدفمند کردن یارانه‌ها به چه میزان بوده است؟

R^1 : اساساً این قانون بدون هیچ توجیه منطقی و صرفاً مبتنی بر سلیقه سیاسی مطرح شد و هدف از آن جلب رضایت موقتی اقشار کم‌درآمد بود. برای همین درآمدی که حق همه بود دولت تصمیم گرفت به عده‌ی معدودی تخصیص دهد.

R^2 : آنچه نوشته‌شده بود بیانگر توزیع حق همه ملت به خانوارهای مورد هدف بود که به لحاظ حقوقی صحیح نبود و پشتوانه این طرح هم بحث انصاف بود نه عدالت، ولی آنچه اجرا شد عدالت محوران بود.

R^3 : کمک به وضعیت اقشار محروم را نمی‌توان استثناء قائل شدن بدون توجیه منطقی نامید چراکه وظیفه دولت رسیدگی به این اقشار محروم است. هرچند در عمل دولت ضعف نشان داد و نتوانست حقوق مربوط به این اقشار را اعاده کند.

R^4 : به نظر من این قانون جنبه سیاسی داشت و کارنامه آن‌هم رضایت‌بخش نبود ولی در کل به هنگام تدوین، ابعاد بی‌عدالتی و تبعیض امیرش مشهود بود که آن ابعاد به هنگام عملیاتی شدن کم‌وبیش مرتفع گردید.

R^5 : میزان خاصی که نمی‌توانم تعیین کنم ولی مواد و تبصره‌های آن مؤید بر استثنائات آن بود. از جمله آن می‌توان به توزیع یارانه‌ها از محل درآمد ملی، فقط به خانوارهای تعیین‌شده اشاره کرد.

انطباق قانون هدفمند کردن یارانه‌ها با قوانین دیگر را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

R^1 : این قانون هرچند جنبه سیاسی هم داشته باشد در جهت حمایت از اقشار محروم تدوین و اجرایی شد و این مخالف هیچ قانون مصوبی نیست؛ و حتی می‌توان گفت در راستای اصل ۴۴ طراحی شده بود که البته نقایصی داشت که اشاره کردم.

R^2 : این قانون را منطبق با اصل ۴۴ و حتی پشتیبان تحقق سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ هم دانسته‌اند که این‌ها کمی اغراق است ولی در کلیت امر این قانون یک شوک بود که هم قانون اساسی را پایمال می‌کرد و هم سند چشم‌انداز را مورد خدشه قرار داد.

R^3 : این قانون در کلیت امر با اصل ۴۴ قانون اساسی منطبق بود و در جهت ترویج عدالت اجتماعی طراحی شده بود.

R^4 : با قوانین کلان و بالادستی در ظاهر تضادی نداشت و البته انتظار هم می‌رود که دولت جهت پیشبرد اهداف سیاسی خود از طریق ابزارهای قانونی اقدام کند.

R^5 : اساساً مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان وظیفه بررسی و انطباق طرح‌های پیشنهادی دولت با قانون اساسی و دیگر قوانین موجود را دارند که اگر منافاتی داشت قاعداً تصویب و اجرایی نمی‌شد.

آیا این قانون هدفمند کردن یارانه‌ها موجبات نقض قانون از طرف دولت‌ها که نشانه بی‌خردی باشد را مهیا کرده است؟

R^1 : دولت با ارائه این طرح قانونی را زیر پا گذاشته باشد اما این به معنای خردمندی و کار درستی دولت نیست چراکه کارنامه این قانون نشان می‌دهد که این طرح هیچ پشتوانه عقلانی نداشته است.

R^2 : در نگاه اول هیچ نقطه سیاهی در متن این قانون نمی‌بینیم؛ ولی در پشت پرده این قانون و نتیجه عملکرد آن به‌صراحت می‌گوییم که این قانون ضد روح قانون اساسی و سند چشم‌انداز بیست‌ساله است.

R^3 : هم مطابق قانون اساسی بود و هم همسو با اهداف کلان حقوقی جمهوری اسلامی ایران.

R^4 : مسئله انطباق و تضاد باید از نمایندگان شورای نگهبان جویا شود و چون این طرح در ۱۳۸۸/۱۰/۲۳ به تأیید شورای نگهبان رسیده است پس نمی‌توان گفت که ناقض قوانینی بوده است.

R^5 : هرچند روح سیاسی بازی و سلايق سیاسی در آن دیده می‌شود اما منافی قانونی نبوده و برای همین هم یک هفته بعد از تصویب مجلس شورای اسلامی، مجلس شورای نگهبان نیز بدان صحنه گذاشت.

دولت‌ها چقدر به قانونمندی‌سازی طرح هدفمند کردن یارانه‌ها همت گماشته‌اند؟

R^1 : دولت دهم که مدون و مجری این قانون بود در هرچه قانونمندی‌سازی آن کوشید و توانست آن را به‌مثابه حقوق غیرقابل‌انکار همه شهروندان به دولت یازدهم به ارث بگذارد.

R^2 : برای پیشبرد اهداف سیاسی دولت وقت، این قانون با پشتوانه حداکثری قانونی ادامه یافت؛ اما دولت یازدهم و مجلس دهم سعی دارند این قانون را از ریل قانونمندی آن خارج کنند چراکه هرچه می‌گذرد خسارت بیشتر متوجه کشور و ملت می‌گردد.

R^3 : تلاش دولت اصولگرایی دهم در جهت اعاده عدالت اجتماعی از راه‌های قانونی بسیار زیاد بود و همراهی نمایندگان دوره‌های نهم و دهم هم نشانگر قانونمندی و صحیح بودن این طرح بود.

R^4 : دولت دهم برای کسب وجه سیاسی و حقوقی تلاش‌های زیادی کرد و با همسو کردن مجلس و اقشار کم‌درآمد سعی کرد این قانون تداوم داشته باشد. دولت فعلی تلاش دارد از راه‌های قانونی و سیاسی، به اصلاح این قانون اقدام نمایند.

R^5 : قاعدتاً دولت موجد این قانون پشتیبان آن است و این انتظار منطقی است اما دولت و مجلس جدید که وارث این قانون تحول عظیم اقتصادی هستند سعی دارند با همکاری نخبگان سیاسی و اقتصادی این قانون را تغییر و یا حذف نمایند.

توجه به سازوکارهای اجرایی قانونمند در این سیاست به چه میزان بوده است؟

R^1 : خیلی کم، چنانکه دستگاه‌های مجری آن چیزی که به اجرا گذاشتند متفاوت از آنچه نوشته بودند؛ بود.

R^2 : یکی از نقطه‌ضعف‌های این قانون، عدم توجه به سازوکارهای اجرایی مطابق قانون مصوب، توسط دستگاه‌ها و نهادها اجراکننده بود که در نتیجه شاهد ناکارآمدی این قانون هستیم.

R^3 : توجهاتی شده و کارگروه‌های در دولت و مجلس بدان پرداخته‌اند اما متأسفانه مسئولین متصدی بدان کمتر توجه کرده‌اند.

R^4 : دولت سعی داشت به شکل هرچه بهتر به این طرح وجه عمومی بدهد برای همین از ابعاد قانونی اجرایی این طرح کاست تا به ظرفیت‌های سلیقه‌ای خودش بیفزاید.

R^5 : سازوکارهایی قاعدتاً مدنظر دولت و مجلس بوده است اما برحسب عرف سیاستگذاری در ایران، تدوین‌کنندگان سیاست‌ها، بُعد اجرایی را اساساً به دست نهادهای مجری می‌سپارند بی‌آنکه سازوکارهایی آن را به‌خوبی مورد اشاره قرار داده باشند.

طرح هدفمند کردن یارانه‌ها چقدر با قوانین کلان و جامع بالادستی همخوانی دارد؟

R^1 : همسو و مطابق با قوانین بالادستی است؛ حداقل متن قانون بیانگر این مطلب است اما می‌دانیم که در میدان عمل و در صیانت از قانون اساسی و اهداف بلندمدت توسعه‌ای ایران ضعیف عمل کرده است.

R^2 : این قانون در ظاهر منافاتی با قوانین بالادستی ندارد اما در عمق مسئله خواسته یا ناخواسته خدشه‌دار شدن قانون اساسی و سند چشم‌انداز را دامن زده است.

R^3 : قانون مذکور مطابق و همسو با اصل ۴۴ قانون اساسی بوده و با پیگیری عدالت اجتماعی مؤید تأیید سند چشم‌انداز نیز هست.

R^4 : تعارضی مشهود با قوانین کلان کشوری ندارد؛ اما این دلیل کامل بودن این قانون نیست و چنانکه عرض کردم تأیید شورای نگهبان مهری است بر پیشانی این قانون که هیچ تعارضی با قوانین کلان دیگر ندارد.

R^5 : از آنجایی که متن طرح مذکور، تعارض چندانی با قوانین دیگر نداشت با کمی کارشناسی به تأیید شورای نگهبان هم رسید. در مرحله اجرایی مشکلاتی به بار آورد که آن را باید به حساب مقطع اجرا دانست نه تدوین.

عقلانیت حرفه‌ای، کد اختصاری مصاحبه‌شوندگان (G)

مکانیزم‌ها و مدل‌ها ارتباطی در طرح هدفمند کردن یارانه‌ها به چه میزان مورد توجه قرار گرفته است؟

G^1 : توجه به راهبردهای ارتباطی سیاست‌ها موفقیت آن را دوچندان تضمین می‌کند که متأسفانه در این قانون مکانیزم‌های ارتباطی مورد غفلت قرار گرفته است که این نشانگر عدم توجه تدوین‌کنندگان به نقش علوم ارتباطات در زمینه سیاستگذاری‌ها است.

نحوه ابلاغ دستورات و ارائه گزارش‌ها در طرح هدفمند کردن یارانه‌ها به چه میزان پیش‌بینی شده است؟

G^1 : چنانکه مطرح شد که در دل این قانون مکانیزم‌های ارتباطی مورد اشاره قرار نگرفته است اما به نظر می‌رسد که مجریان متصدی این قانون نحوه عملیاتی کردن آن را تعیین کرده باشند.

آیا به هنگام تقنین طرح هدفمند کردن یارانه‌ها به نحوه تعامل بین نهادها و ساختارها مجری توجه شده است؟

G^1 : در دستورهای اجرایی بین وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها مکانیزم‌های ارتباط درون‌سازمانی و برون‌سازمانی حتماً مورد نظر خواهد بود اما آنچه مهم جلوه می‌کند عدم توجه سیاستگذاران به اهمیت علوم ارتباطات در متن سیاست‌ها است.

میزان بهره‌مندی از نظریه‌های جامعه‌شناسی سازمان در طرح هدفمند کردن یارانه‌ها چقدر است؟

G^2 : از آنجایی که این قانون مشمول آحاد شهروندان بوده نه سازمانی خاص، بهتر است از جامعه‌شناسی سیاسی، فرهنگی و اجتماعی سخن بگوییم. باین‌حال به نظرم توجه به ابعاد جامعه‌شناختی در این قانون کم بوده است.

آیا در تقنین طرح هدفمند کردن یارانه‌ها از نظریات روانشناسی اجتماعی استفاده شده است؟ چه میزان؟

G^3 : توجه به ابعاد روان‌شناختی سیاستگذاری‌ها در فهم بازخوردهای اجتماعی بسیار مهم است که متأسفانه از نوع بازخورد شهروندان به دولت که در رسانه‌ها بازتاب داشته می‌توان از ضعف روان‌شناسی اجتماعی در این قانون سخن گفت.

نقش افراد متخصص در تقنین طرح هدفمند کردن یارانه‌ها چقدر است؟

G⁴: دولت نهم و دهم به نقش نخبگان خیلی بی‌توجه بود و حتی به هنگام طرح این سیاست مخالفت‌های اساتید علوم اقتصادی دانشگاه‌های تهران همچون دکتر توکلی، دکتر خوش‌چهره، دکتر مؤمنی و دکتر سبحانی و دیگر اساتید بی‌اثر بود.

میزان بهره‌مندی از تجربه‌های مشابه در زمینه سیاست‌گذاری را در تدوین طرح هدفمند کردن یارانه‌ها چگونه ارزیابی می‌کنید؟

G⁴: دولت نهم و دهم به نظرم دولتی بی‌توجه به نخبگان و زمینه‌های تجربی گذشته بودند و در تصویب و اجرایی این قانون نیز از بی‌توجهی به تجربیات مشابه دریغ نکرد. تثبیت قیمت‌ها می‌توانست تجربه خوبی برای دولت دهم در مورد یارانه‌ها باشد.

در تقنین طرح هدفمند کردن یارانه‌ها به آموزش کارگزاران مرتبط چه میزان توجه شده است؟

G⁵: در خود متن قانون هیچ اشاره‌ای نشده است. قاعدتاً دستگاه‌های اجرایی بایستی نسبت به بعد اجرایی و توجیه کارگزاران مرتبط آگاهی داشته باشند.

چه میزان در مورد سیاست اخذشده، قبل از تصویب پژوهش نظری انجام شده است؟

G⁵: پژوهش‌های توسط کمیسیون مربوطه انجام گرفته بود و حتی گزارش‌های از طرف مرکز پژوهش‌های مجلس نیز تهیه شده بود که در آن مرکز موجود است.

آیا از علوم نظری و عملی در دسترس در تقنین طرح هدفمند کردن یارانه‌ها استفاده شده است؟

G⁵: دولتمردان و حتی خود مجلس هم به گزارش‌های رسیده از مرکز پژوهش‌های مجلس بی‌توجه بودند.

چه سیاست‌های دیگری برای بهبود اجرایی این سیاست در نظر گرفته شده و یا اعمال گردیده است؟

G⁵: تقریباً می‌توان گفت قوانین کمکی نداشتیم، چراکه مسئولین و دولتمردان از کارشناسان فاصله گرفته بودند و از طرفی به جهت تحمیل سلیقه و اراده خود، قوانین و سیاست‌های خود را کارآمد تلقی می‌کردند.

۶- تجزیه و تحلیل داده‌ها

فرایند تحلیل داده‌ها شامل شناسایی گونه‌های اساسی و کلیدی و رتبه‌بندی آن‌ها برحسب مقوله‌هاست که در ادامه به‌وسیله آن، اطلاعات به‌دست‌آمده از مصاحبه شفاهی به ترتیب گروه‌های عقلانی اقتصادی، سیاسی، قانونی و حرفه‌ای موردبررسی و محک قرار گرفته است.

۶-۱- بررسی میزان رعایت عقلانیت اقتصادی در قانون هدفمند کردن یارانه‌ها

این عقلانیت بر استفاده بهینه از منابع تأکید داشت که به دو قسم کارآمدی اقتصاد خرد و کارآمدی اقتصاد کلان قابل‌تقلیل است. داده‌های به‌دست‌آمده از نظرات نخبگان اقتصادی پیرامون قانون هدفمند کردن یارانه‌ها که کدگذاری و رتبه‌بندی شده است بیانگر این است که عقلانیت اقتصادی در قانون هدفمند کردن یارانه‌ها مورد غفلت قرار گرفته است. چراکه صاحب‌نظران حوزه اقتصادی در پاسخ به پرسش‌های پژوهش، بر گزاره‌های زیر تأکید داشتند.

جدول ۳. رتبه‌بندی گزاره‌های استخراج‌شده از وضعیت عقلانیت اقتصادی در قانون هدفمند کردن

یارانه‌ها

ردیف	گزاره‌های موردتوجه	تعداد تکرار	ردیف	گزاره‌های موردتوجه	تعداد تکرار
۱	کاهش اشتغال	۹	۱۰	رکود	۳
۲	متضرر شدن درآمد ملی	۵	۱۱	کاهش سرمایه‌گذاری	۲
۳	رونق نزول‌خواران بازار	۵	۱۲	تعطیلی واحدهای تولیدی	۲
۴	خلف وعده دولت	۵	۱۳	اثرات ضد توسعه‌ای	۲
۵	افزایش تورم	۴	۱۴	کاهش تولید	۲
۶	کاهش امنیت اقتصادی	۴			
۷	افزایش سریع قیمت‌ها	۳			
۸	عدم تأمین رفاه شهروندان	۳			
۹	نابرابری اجتماعی	۳			

۶-۲- بررسی میزان رعایت عقلانیت سیاسی در قانون هدفمند کردن یارانه‌ها

عقلانیت سیاسی در الگوی پژوهش چنانکه مطرح شد بر توانایی توزیع نابرابر منابع مختلف در عین ادعای برابری، توجه به استمرار قدرت فرد یا گروه در فرایند سیاستگذاری، یکپارچگی جامعه و مشارکت جمعی در حل مسائل عمومی تأکید داشت. در جدول ۴ با توجه به داده‌های به‌دست‌آمده از صاحب‌نظران حوزه عقلانیت سیاسی برحسب پرسش‌نامه طرح‌شده در چارچوب معین، به وضعیت رعایت این عقلانیت در قانون هدفمند کردن یارانه‌ها اشاره شده است.

جدول ۴. رتبه‌بندی گزاره‌های استخراج‌شده از وضعیت عقلانیت سیاسی در قانون هدفمند کردن

یارانه‌ها

ردیف	گزاره‌های موردتوجه	تعداد تکرار	ردیف	گزاره‌های موردتوجه	تعداد تکرار
۱	استقبال اصول‌گرایان	۷	۶	عدم اقتناع شهروندان به توزیع نابرابر یارانه‌ها	۴
۲	مخالفت اصلاح‌طلبان	۷	۷	تقلیل گرایش‌های گریز از مرکز	۴
۳	جذب مردم به صحنه‌های سیاسی	۵	۸	افزایش گرایش‌های گریز از مرکز	۱
۴	عدم مخالفت علمای دینی	۴	۹	حمایت علمای دینی	۱
۵	حمایت شهروندان	۴			

تعداد مد گزاره‌های ۱ و ۲ نشانگر تقابل جناح‌های سیاسی اصول‌گرا و اصلاح‌طلب بر سر قانون هدفمند کردن یارانه‌ها بوده است. گزاره ۳ و ۷ از گسترش میدان اقتدار سیاسی دولت وقت خبر می‌دهد و با کمی اختلاف گزاره ۶ عدم مشروعیت کافی دولت در بین طبقات بالای جامعه را نشان می‌دهد که دولت نتوانسته است آن‌ها را برای توزیع نابرابر درآمد حاصل از هدفمند کردن یارانه‌ها اقتناع نماید. به نظر می‌رسد که دولت قصد کسب مشروعیت بیشتر و حذف رقیب سیاسی خود یعنی اصلاح‌طلبان را در دستور کار داشته است که این امر بیانگر نیات سیاسی پشت پرده محرک قانون هدفمند کردن یارانه‌ها است.

۳-۶- بررسی میزان رعایت عقلانیت قانونی در قانون هدفمند کردن یارانه‌ها

بر اساس این نوع از عقلانیت، دولت در پی توجه به الزامات قانونی است تا بدین وسیله «اطمینان قانونی» در رفتارهای دولت رعایت شود. اینکه این الزام به چه میزان در قانون هدفمند کردن یارانه‌ها مورد توجه بوده است را در جدول ۵ برحسب رتبه‌بندی گزاره‌های مورد اشاره صاحب‌نظران حقوقی مورد توجه قرار می‌گیرد.

جدول ۵. رتبه‌بندی گزاره‌های استخراج شده از وضعیت عقلانیت قانونی در قانون هدفمند کردن

یارانه‌ها

رتبه	گزاره‌های مورد توجه	تعداد تکرار	رتبه	گزاره‌های مورد توجه	تعداد تکرار
۱	انطباق با قوانین بالادستی	۹	۶	عدم انطباق با قوانین بالادستی	۳
۲	تبعیض بین طبقات	۵	۷	عدم تبعیض	۲
۳	عدم استفاده از سازوکارهای قانونی	۵	۸	انطباق با عدالت	۲
۴	قانونمندی دولت	۴	۹	بی‌خردی دولت	۱
۵	بی‌عدالتی	۳	۱۰	استثنائات غیرمنطقی	۱

رتبه‌بندی گزاره ۱ نشان می‌دهد که این قانون منطبق با قوانین بالادستی بوده است. گزاره تبعیض دومین رتبه را داشته که بیانگر توانایی توزیع نابرابر منابع توسط دولت در عین ادعای برابر و مساوات است که به لحاظ عقلانیت سیاسی قابل تأمل است؛ اما در عقلانیت قانونی نقطه ضعف محسوب می‌گردد. رتبه سوم را گزاره دولت خردمند به خود اختصاص داده که نویدبخش امنیت قانونی در رفتارهای دولت در سیاستگذاری است. بی‌عدالتی و عدالت هم با یک رتبه فاصله نمایانگر ابهام در رویکرد عدالت محور بودن این قانون است. در کل گزاره‌های فوق نشانگر توجه دولت به اطمینان و امنیت قانونی است.

۴-۶- بررسی میزان رعایت عقلانیت حرفه‌ای در قانون هدفمند کردن یارانه‌ها

عقلانیت حرفه‌ای برداشتی که از تجربیات عملی کسب می‌شود، توجه دارد؛ در این عقلانیت جامعه‌شناسی سازمان‌ها، روان‌شناسی اجتماعی، علوم ارتباطات، شاخه‌های محور علوم اجتماعی و دانش فنی، نقش مهمی را ایفا می‌کنند. در این عقلانیت به‌جای رتبه‌بندی گزاره‌های مورد تأکید مصاحبه‌شوندگان، بر وضعیت رعایت مؤلفه‌های مورد نظر عقلانیت

حرفه‌ای در قانون هدفمند کردن یارانه‌ها برحسب نظر مصاحبه‌شوندگان اشاره شده است. چون جامعه مورد مصاحبه در این حوزه عقلانیت نیز پنج نفر بودند و اقتضای این عقلانیت تخصص محوری است؛ الزاماً برای هر پرسش یک مخاطب و یا برای چند پرسش یک مخاطب مدنظر قرار گرفته بود.

جدول ۶. رتبه‌بندی گزاره‌های استخراج شده از وضعیت عقلانیت حرفه‌ای در قانون هدفمند کردن

یارانه‌ها

رتبه	وضعیت رعایت مثبت / منفی	مؤلفه‌های عقلانیت حرفه‌ای	رتبه	وضعیت رعایت مثبت / منفی	مؤلفه‌های عقلانیت حرفه‌ای	رتبه
۱	*	توجه به نقش افراد متخصص	۶	*	توجه به مکانیزم‌ها و مدل‌های ارتباطی	۱
۲	*	توجه به تجربه‌های مشابه	۷	*	توجه به نحوه ابلاغ دستورات	۲
۳	*	توجه به آموزش کارگزاران	۸	*	توجه به تعامل بین نهادهای اجرایی	۳
۴	*	توجه به کارشناسی قبل از تقنین	۹	*	توجه به جامعه‌شناسی سازمان	۴
۵	*	توجه به سیاست‌های مکمل	۱۰	*	توجه به نظریان روانشناسی اجتماعی	۵

وضعیت رعایت مؤلفه‌های حوزه عقلانیت حرفه‌ای در مورد قانون هدفمند کردن یارانه‌ها بیانگر عدم توجه دولتمردان و سیاستمداران بر بُعد عقلانیت حرفه‌ای و عملی به هنگام سیاستگذاری است که نتیجه آن دوگانگی وعده‌ها و عمل‌هاست. چراکه حوزه عقلانیت حرفه‌ای مهم‌ترین پایه عقلانیت ترکیبی در بحث کاربست عملی سیاست‌ها است. عدم توجه به این حوزه عقلانی نشانگر غفلت از تمهیدات اجرای قوانین به هنگام تقنین است.

۷- نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی

۷-۱- نتیجه‌گیری

۷-۱-۱- عقلانیت اقتصادی

تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به عقلانیت اقتصادی بیانگر آن است که میزان رعایت عقلانیت اقتصادی در قانون هدفمند کردن یارانه‌ها توسط دولت، بسیار ضعیف بوده است. چنانکه گزاره‌های کاهش اشتغال، کاهش درآمد ملی، رونق گرفتن بازار نزول‌خواران، خلف وعده دولت و افزایش تورم به ترتیب پنج گزاره مهم مورد تأکید مصاحبه‌شوندگان بود که نشانگر عدم توجه سیاست‌گذاران به این حوزه عقلانیت است. عقلانیت اقتصادی پیش‌درآمد استقبال مردم از سیاست‌های دولتی است. تا زمانی که دولت نتواند در سیاستگذاری‌های خود؛ نیازمندی‌های مالی شهروندان را تأمین کند؛ به‌مرور اقبال عمومی را به جناح رقیب خواهد سپرد.

۷-۱-۲- عقلانیت سیاسی

تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به عقلانیت سیاسی نشان می‌دهد که جناح‌های اصول‌گرا و اصلاح‌طلب در تقنین، تصویب و اجرای این قانون در رقابت بودند که با پیروزی جناح متصدی سیاسی (اصول‌گرایان) این قانون به‌مثابه ابزار حفظ مشروعیت سیاسی در خدمت دولت وقت قرار گرفت. از طرفی دیگر گزاره‌های چون جذب مردم به صحنه‌های سیاسی، حمایت شهروندان و کاهش گرایش‌های گریز از مرکز نشانگر موفقیت سیاسی این قانون است. توجه بیش‌ازاندازه به این حوزه از عقلانیت نسبت به دیگر حوزه‌های عقلانیت در سیاستگذاری نشانگر ابزاری بودن قانون هدفمندی یارانه‌ها برای دستیابی به اهداف سیاسی متصدیان است.

۷-۱-۳- عقلانیت قانونی

بررسی اطلاعات کسب‌شده نشان می‌دهد که میزان رعایت عقلانیت قانونی قانون هدفمند کردن یارانه‌ها به‌اندازه عقلانیت سیاسی مورد توجه نبوده است. هرچند گزاره انطباق با قوانین بالادستی با امتیاز ۹ در رأس گزاره‌ها بیانگر توجه دولت به امنیت قانونی است؛ اما گزاره‌های بعدی به ترتیب بیانگر تبعیض بین طبقات، عدم استفاده از سازوکار قانونی و قانونمندی دولت نشانگر آن است که دولت در مرحله اجرا، برخی از مؤلفه‌های عقلانیت‌های حقوقی را نادیده گرفته است. این حوزه عقلانیت در حد مقدماتی مورد توجه سیاستگذار بوده است.

۷-۱-۴- عقلانیت حرفه‌ای

واکاوی اطلاعات به دست آمده از میزان رعایت عقلانیت حرفه‌ای در تقنین قانون هدفمند کردن یارانه‌ها نشان می‌دهد که این نوع از عقلانیت به کلی مورد غفلت قرار گرفته است. این در حالی است که حوزه عقلانیت حرفه‌ای با دغدغه بهبود مرحله کاربست عملی در سیاستگذاری مورد توجه کارشناسان سیاستگذاری بوده است؛ بنابراین به عقلانیت حرفه‌ای که رعایت آن در مرحله تدوین، نقش مهمی در اجرای مناسب دارد، در مصوبات نهاد سیاستگذار توجه بسیار کمی شده است. لذا اقدامات خودسرانه رواج پیدا می‌کند و حتی معدود سیاست‌های تدوین شده نیز بر اساس سلیقه‌های شخصی اجرا می‌شود.

نتایج حاصل شده بیان می‌کنند که ابر عقلانیت سیاسی در سیاستگذاری فوق با تحمیل هزینه‌های سنگین به شهروندان در کسوت سروری مانده است. توجه بیش از حد به عقلانیت سیاسی برای کسب مشروعیت سیاسی بیشتر در رقابت با جناح رقیب، موجب شده است که تدوین کنندگان قانون هدفمند کردن یارانه‌ها به نظرات صاحب نظران حوزه عقلانیت اقتصادی و حرفه‌ای بی توجه بمانند. این نتیجه مؤید نظر کارلو توری است که می‌گوید: وضع قانون از سوی تصمیم گیران سیاسی، به عنوان وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف سیاسی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد (توری، ۱۳۸۶: ۲۷۴)؛ بنابراین غفلت از تمهیدات اجرایی مسبب ناکارآمدی این قانون است. چراکه عقلانیت حرفه‌ای پیش‌نیاز مرحله اجرای موفقیت‌آمیز قوانین است. علت این غفلت نیز توجه نامتوازن به عقلانیت‌های چهارگانه در سیاستگذاری مورد هدف بوده است. ابر عقلانیت سیاسی ناخواسته دیگر حوزه‌های عقلانیت را تحت الشعاع خود قرار داده است. پالمبو و کالیستا^۱ (۱۹۹۰) و ساموئل استالی^۲ (۲۰۰۶) نیز علت شکست سیاست‌ها را غلبه عقلانیت سیاسی بر اصول حرفه‌ای می‌دانند. پرسمن و ویلداوسکی^۳ نیز بزرگ‌ترین مشکل در اجرای سیاست‌ها را عدم توجه به تمهیدات خاص در مرحله شکل‌گیری آن تلقی می‌کنند (دنهارت، ۱۳۸۰، ص ۲۲۳). اذعان صاحب نظران نشان می‌دهد که بی‌توجهی به کارشناسی‌های موجود در سیاستگذاری و غلبه عقلانیت سیاسی بر دیگر ابعاد عقلانیت به خصوص حرفه‌ای، ریشه ناهنجاری‌های مالی و اقتصادی و ناکارآمدی مرحله اجرایی این قانون بوده است و هرچه بیشتر بر خدشه‌دار شدن رابطه دولت-ملت دامن زده است. خلاصه آنکه رعایت عقلانیت در سیاستگذاری با وضعیت مطلوب عقلانیت برای اجرای موفق آن

^۱- Palumbo and Calista

^۲- Samuel Staley

^۳- Pressman and Vildavsky

تفاوت دارد و بدین ترتیب می‌توان نقش مهمی را برای عقلانیت در مرحله اجرای سیاستگذاری متصور بود.

۷-۲- توصیه‌های سیاستی

در این بخش، بر اساس تحلیل داده‌های گردآوری‌شده و یافته‌های حاصل از آن، به‌منظور کمک به اجرای موفق و رضایت‌بخش‌تر سیاستگذاری، توصیه‌هایی ارائه می‌شود: برای بهبود سیاستگذاری بایستی تدوین‌کنندگان به هنگام تقنین سیاست‌ها به‌غیر از عقلانیت سیاسی به حوزه‌های دیگر عقلانیت همچون عقلانیت اقتصادی، حقوقی و حرفه‌ای به‌اندازه لازم توجه بکنند و از یک ابر عقلانیت سیاسی پرهیز نمایند. پرهیز از ابر عقلانیت سیاسی بدین معنا نیست که می‌توان ابر عقلانیت اقتصادی و یا ابر عقلانیت قانونی داشت؛ بلکه منظور پرهیز از هر نوع ابر عقلانیتی است. چراکه هرکدام از ابعاد عقلانیت در کسوت سروری قرار بگیرد ناخواسته الزامات دیگر عقلانیت‌ها را نادیده خواهد گرفت و در نتیجه ضمن ناکارآمدی در مرحله اجرا، گستره چتر اقتدار سیاسی در جامعه را نیز مورد خدشه قرار خواهد داد. چنانکه نایستی دامنه عقلانیت سیاسی حریم دیگر حوزه‌های عقلانیت سیاستگذاری را خدشه‌دار بکند؛ نایستی دامنه دیگر عقلانیت‌ها نیز از الزامات عقلانیت سیاسی در سیاستگذاری بکاهد. پیشنهاد می‌شود در سیاستگذاری‌های آتی سیاست‌سازان از نظریه‌های موجود و پژوهش‌های کارشناسان در حوزه‌های عقلانیت حرفه‌ای غافل نشود. علاوه بر آن به نقش افراد متخصص، تجربه‌های مشابه و بازخوردهای اجتماعی قوانین اعم از جامعه‌شناختی و روان‌شناختی نیز توجه بکنند.

منابع

الف) منابع فارسی

- ۱- آزاد ارمکی، تقی؛ منوری، نوح (۱۳۸۹) ارائه مدلی برای تحلیل محتوای سیاست‌های فرهنگی، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات و ارتباطات، شماره ۲۰، صفحات ۴۷-۷۶.
- ۲- الوانی، مهدی؛ و همکاران (۱۳۸۷) مروری بر مدل‌های خط‌مشی‌گذاری در نظام آموزش عالی، مجلس و راهبرد، شماره ۵۹، صفحات ۷۳-۱۰۲.
- ۳- توری، کارلو (۱۳۸۶) قانون‌گذاری امری بین سیاست و حقوق، ترجمه حسن وکیلان، مجلس و پژوهش، سال ۱۴، شماره ۵۵، صفحات ۲۵۹-۲۷۴.
- ۴- خان محمدی، یوسف (۱۳۸۶) دولت و سیاستگذاری فرهنگی از دیدگاه امام خمینی (ره)، فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، شماره ۳۴، صفحات ۴-۳۸.

- ۵- دانایی‌فرد، حسن و همکاران (۱۳۸۹) اجرای خط‌مشی عمومی، بررسی نقش عقلانیت در مرحله تدوین خط‌مشی. پژوهش‌های مدیریت در ایران، دوره ۱۴، شماره ۴، صفحات ۷۹-۱۰۶.
- ۶- دهنارت، رابرت (۱۳۸۰)؛ تئوری‌های سازمان دولتی؛ ترجمه مهدی الوانی و حسن دانایی‌فرد؛ تهران، انتشارات صفار.
- ۷- دهشیری، محمدرضا (۱۳۷۸) تأثیر جامعه مدنی بر سیاستگذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۴۵ و ۱۴۶، صفحات ۱۲-۲۷.
- ۸- رحمان سرشت، حسین؛ محمدی نسب، مهدی (۱۳۸۹) الگوی تصمیم‌گیری راهبردی در یک رویکرد اسلامی، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات دفاعی استراتژیک، شماره ۳۹، صفحات ۹-۳۲.
- ۹- سینائی، وحید؛ زمانی، سمیه (۱۳۹۰) نقش مجالس قانون‌گذاری در فرایند سیاستگذاری؛ به‌سوی یک الگوی نظری، فصلنامه علمی-پژوهشی راهبرد، شماره ۵۸، صفحات ۶۵-۹۴.
- ۱۰- شهرام نیا، امیر مسعود؛ چلمقانی، مرضیه (۱۳۹۰) سیاستگذاری فرهنگی در ایران دوران اصلاحات از منظر انتقادی، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی، شماره ۲، صفحات ۹-۲۴.
- ۱۱- عطار، سعید؛ خواجه نائینی، علی (۱۳۹۴) بررسی و تحلیل عوامل مؤثر بر ناکارآمدی نظام سیاستگذاری در ایران، فصلنامه سیاستگذاری عمومی، دوره ۱، شماره ۱، صفحات ۱-۲۰.
- ۱۲- فروزنده، لطف‌الله؛ رحیمی کلور، حسین (۱۳۹۰) عقلانیت و جایگاه آن در سیاستگذاری، مجله کیهان فرهنگی، شماره ۲۹۴ و ۲۹۵، صفحات ۲۲-۳۰.
- ۱۳- مصلی نژاد، عباس (۱۳۹۰) بررسی تحلیلی و کارکردی مدل‌ها و فرایندهای سیاستگذاری اقتصادی، فصلنامه علمی-پژوهشی سیاست، شماره ۱۸، صفحات ۳۲۹-۳۵۱.

(ب) منابع انگلیسی

- 14- Cohen, L. & Manion, L. (1986), *Research Methods in Education*. London, Routledge.
- 15- Palumbo D. J. and Calista D. J. (1990); *Implementation and Policy Process: opening up the black box*; Greenwood Press Inc. USA
- 16- Snellen, Ignace (2002); "Conciliation of Rationalities: the Essence of Public Administration" *Administrative Theory & Praxis*; Vol. 24, No. 2.
- 17- Staley S. R. (2006); "Institutional Consideration for Sustainable Development Policy Implementation: A US Case Study"; *Property Management*, Vol. 24, No. 3.